



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاین نمی باشد



۲۰۲۵ / ۰۲ / ۲۰

یونس نگه

## انضباط سیاسی، نقطه قوت ملاحبت الله

ملاحبت الله با تمام بی هنری و زشتی هایش یک برتری آشکار بر حریفان دارد: انضباط سیاسی. او را که هنوز مخالفان سیاسی انکار می کنند، عده ای حتی وجود فزیکیش را قبول ندارند و دیگران هرگونه استقلال رای او را در برابر اوامر استخباراتی و حامیان خارجی اش منتفی می دانند، با گذشت زمان در میدان عمل، با حاشیه راندن حریفان قدرت مند و تاکید بر مواضع تند امارتی وجود خود را انکار ناپذیر ساخته است. حالا جای شک باقی نیست که ملاحبت الله و اطرافیان او صاحب برنامه ای برای افغانستان اند، و در زدوبندهای سیاسی و معاملات استخباراتی بدون برنامه و گوش به فرمان صرف حاضر نمی شوند. آنان در میزهای مذاکره و تنش های دیپلماتیک با آجندا حاضر می شوند و برای همکاری و حتی فرمان بری شرط و شرایط دارند. در وطنی که بیشتر رهبران و قومندان ها و سیاستمداران اش بی نسخه و گوش به فرمان خارجی بار آمده اند، این ویژگی ملاحبت الله او را فعلاً در میان سیاست پیشه گان متفاوت ساخته است. در جامعه فروپاشیده و در حال گذار، انضباط سیاسی بسیار خریدار دارد. نادر خان، داود خان و حفیظ الله امین در قرن بیستم نمونه هایی از آدم های مستبد اما در عین حال صاحب برنامه و انضباط سیاسی بودند که قدرت را به دست گرفتند و برای شکل دهی جامعه با قالب ایدیولوژی یا برنامه ی ذهنی که داشتند بسیار کوشیدند. نادر خان این شانس را داشت که بعد از حاکمیت کوتاه سه ساله اش، نزدیکان او راه اش را ادامه دهند و در نتیجه یک دوره طولانی استبداد و ثبات را در تاریخ افغانستان به یادگار بگذارند که چند دهه اخیرش با انکشاف نسبی نیز همراه شد. سنت اداری و نهادهای دولتی افغانستان معاصر در آن دوره پنجاه ساله ای که با نادر شروع و با داود پایان یافت، شکل گرفت. داود خان نیز به دلیل دو دوره حکومت، یکی در نقش صدراعظم و دیگری در نقش رئیس دولت، بیش از یک نهم دهه در افغانستان حکومت کرد و فرصت طولانی برای پی گیری آرمان های سیاسی اش را داشت. حفیظ الله امین یکی دیگر از مستبدان منضبط و صاحب برنامه بود. او مثل داود خان نسخه ای برای افغانستان در ذهن داشت و برای تطبیق آن انضباط و استبداد فوق العاده نشان داد. مشهور است که حفیظ الله امین گفته بود برای ساختن افغانستانی که او می خواهد اگر یک میلیون نفر زنده بمانند، کافی خواهد بود. همپازی های سیاسی امین، او را پرکار، صاحب برنامه و بسیار بلندپرواز و منضبط تعریف کرده اند. استبداد، تکرایی و خشونت جنبه تاریک کارنامه این سیاستمداران بوده است، ولی انضباط سیاسی که آنان برای پی گیری اهداف و برنامه های خود نشان داده اند برای خیلی از سیاستمداران رشک انگیز است. سال های جهاد و دو دهه جمهوری اسلامی، دوران بی انضباطی و بی برنامه گی بود. در این دوران خشونت و استبداد لمپنانه با بی برنامه گی و منفعت جویی کوتاه بینانه همراه شده بود. کسانی بی برنامه گی خود را با کلی گویی های اسلامگرایانه می پوشانند و عده ای بی انضباطی خود را به نام دموکراسی جا می زنند. نه رهبران جهادی جز شعارهای عوام فریبانه برنامه مدون و طرح مشخصی برای دولتداری اسلامی داشتند، و نه آنانی که در جامعه دموکراسی سیاست می کردند، در حمایت و ترویج دموکراسی تلاش پایدار و نظام مند انجام می دادند. اشرف غنی به طور مثال با وجود آن که تظاهر به انضباط می کرد و از برنامه های پنج ساله و ده ساله و حتی صدساله سخن می گفت، اما در عمل سیاستمدار بی پرنسیپ بود و برای حفظ قدرت به اطرافیان، حریفان و حامیان قدرت مندش دایم آمیتاز می داد. با وجود افکار لیبرالیستی حاضر بود برنامه های تعلیمی، انکشافی و سیاسی اش را زیر پا کند و به فشارهای حریفان تن دهد، به شرط آن که خود و چوکی اش مصون باشد. او در سال های آخر حکومت محکم به ارگ چسبیده بود و می گفت این جا را از من نگیرید ولی وزارت معارف را طالبانی بسازید، زندانی های طالبان را رها کنید، بودیجه ناچیز کشور را به ساختن مدارس طالب پرور مصرف کنید، و احتمالاً حاضر بود که قانون اساسی را نیز معامله کند. یکی از طرح های مسخره او برای جلب توجه اقشار سنتی، ساختن مسجدی در کابل بود که از همه ولسوالی های افغانستان برای اعمارش قرار بود خاک انتقال یابد. طرح سازشکارانه دیگر او ادغام مدرسه و مکتب بود و خانم رنگینه حمیدی وزیر معارف و زمانی گفته بود که کودکان باید تا صنف سوم در مسجد درس بخوانند.

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکي په خیر و لولی

اشکال کار اشرف غنی و رنگینه حمیدی و امثالشان در فقدان انضباط سیاسی بود. آنان برنامه و دیدگاه روشنی برای آینده افغانستان نداشتند و برای تحقق آن اهداف کار و سازماندهی نمی‌کردند. اگر به فرض در زمان جمهوری کسانیه رهبری را به‌دست می‌داشتند که به حق رای مردم، انتخابات، آزادی بیان، آموزش عمومی و توسعه متوازن چنان پابند می‌بودند که ملاحبت الله به منع تعلیم، بستن درجه‌های آزادی و بیگانه خواندن انتخابات و قانون اساسی و حق رای پافشاری دارد؛ آنوقت آیا وضعیت طوری دیگری نمی‌شد؟ نیروهای غیرطالبانی و آنانی که خواهان تعلیم، آزادی و نظام دموکراتیک بودند در عدد کمتر از طالبان نبودند، اما آنان سازماندهی سیاسی و رهبری متعهد نداشتند.

نمونه دیگر فاصله میان ملاحبت الله و رقیبان‌اش برخورد آنان به خانواده است. در سال‌های پایانی جمهوری اسلامی، زمانی که ملاحبت الله اعضای خانواده‌اش را در جنگ با جمهوری اسلامی و دیگر مخالفان طالبان از دست می‌داد و یکی از پسران‌اش را به حمله انتحاری فرستاده بود، اشرف غنی متهم بود که آرشیف رادیو تلویزیون ملی را به ارگ انتقال داده است تا دخترش بدون خطر و دردسر به آن‌ها دسترسی داشته باشد و پروژه تحقیقی خود را تکمیل کند. عطا محمد نور، محقق، خلیلی، دوستم و دیگران مشغول کمپاین و تبلیغ فرزندان خود بودند. در سال ۲۰۲۰، در یک حادثه غمناک خانوادگی، محمد محقق پسر جوان‌اش را از دست داد، و او مدت طولانی مشغول عزای و تجلیل از فرزندش بود، طوری که به نظر می‌رسید مرگ فرزند بر برنامه‌های سیاسی محقق به‌شدت سایه انداخته است. آقای محقق در فیسبوک عکس و خاطرات پسرش را نشر می‌کرد و برای او مرثیه می‌نوشت. در جایگاه فرد عادی و کسی که در محیط نورمال زندگی می‌کند، رفتار غنی و محقق با خانواده و فرزندان‌شان موجه‌تر از رفتار ملاحبت الله به‌نظر می‌رسد. ولی جهان سیاست به‌ویژه در افغانستان نورمال نیست، و در آخرین دهه جمهوری اسلامی به سنگر داغ بدل شده بود. سنگری که بیداری، انضباط و تلاش شباروزی را برای همه طرف‌ها الزامی می‌ساخت.

این بی‌انضباطی و تنبلی بر دیگر نیروهای غیرطالب نیز حاکم شده بود. سازمان‌ها، نهادها و افرادی که خود را در طیف آزادی‌خواهان و حامیان نظام غیرطالبانی می‌خواندند، برای پاسداری از ارزش‌های غیرطالبانی خطر نمی‌کردند و حاضر نبودند که تن به زحمت انضباط و سازماندهی بدهند. در نتیجه موج‌های تحولات آنان را روبید و به چاله‌هایی انداخت که بیرون شدن از آن‌ها آسان نیست.

حالا که ملاحبت الله به‌خاطر سیاست‌های غیرانسانی‌اش انگشت‌نما شده و حتی جلادان و تروریستان همراه او حاضرند دست‌شان را به دستار ملاحبت الله پاک کنند، خوب است در کنار بیان هزاران عیب او، این را نیز گوش‌زد کنیم که کسی از میان آدم‌های مطرح سیاسی چون او، امروز برای پی‌گیری «آرمان‌هایش» حاضر به خریدن خطر نیست. نسل نو سیاستمداران ما باید از این وضعیت درس بگیرند، و متوجه شوند که اداره کشوری چنان آشفته بدون انضباط سیاسی و از خودگذری ممکن نیست. اگر می‌خواهید ملاحبت‌الله و طالبان را شکست دهید، باید در تعقیب آرمان‌های خود استوار باشید و برای ساختن وطنی که دوست دارید، تلاش ورزید.



آرشیف: نو پسند در پورتال افغان جرمن آنلاین